



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۱۳

توسل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسل

نویسنده:

عبد الرحيم حصيني موسى

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	توسل
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	سخن مجمع
۲۰	مقدمه
۲۰	اشاره
۲۴	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۸	پیشگفتار
۳۲	توسل
۳۲	۱- معنای لغوی و اصطلاحی توسل
۳۴	۲- نظرات مختلف درباره توسل
۳۴	اشاره
۳۴	دیدگاه اول: منع توسل
۳۵	دیدگاه دوم: جواز توسل
۳۷	دیدگاه سوم: تفصیل بین انواع توسل
۳۸	۳- جواز توسل در قرآن کریم
۳۸	اشاره
۴۰	انواع توسل از دیدگاه قرآن
۴۰	اشاره
۴۱	الف: توسل به اسمای خداوند سبحان!
۴۲	ب: توسل با اعمال نیک
۴۳	ج: توسل به دعای پیامبر(صلی الله علیه و آله)
۴۶	د: توسل به دعای برادر مؤمن

- ۴۷ ه- : توسّل به انبیا و صالحان
- ۴۸ و: توسّل به حقّ صالحان و حرمت و منزلت آنان
- ۴۹ ۴- توسّل در گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله)
- ۵۳ ۵- توسّل در سیره مسلمانان
- ۵۶ ۶- توسّل در روایات اهل بیت (علیهم السّلام)
- ۵۶ اشاره
- ۵۸ ج: امام رضا (علیه السلام) فرمود:
- ۵۹ ۷- بررسی شبهات وارده به جواز توسّل
- ۶۹ خلاصه بحث
- ۷۰ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: حصینی موسوی، عبدالرحیم

عنوان قرارداد: التوسل . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: توسل [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی؛ مترجم گروهی از مترجمان [مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۲ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۱۳.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴ ؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۸۳-۴

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: توسل

موضوع: توسل -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۲۶/۶-ح ۶ت ۹۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۰۸۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

توسل

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی

مترجم گروهی از مترجمان [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۵

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السّلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السّلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لاّتبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدّس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است .

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السّلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السّلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران امت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السّلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السّلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصارة انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم‌السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لااله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السّلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلایل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

قرآن کریم ، حقیقت «توسّل» را به بهترین صورت، بیان کرده است. خداوند خطاب به مؤمنان می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱)

«ای کسانی که ایمان آوردید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرّب به او بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».

آیه شریفه ، «تقوا» و «جهاد» را از وسایل مشروع بر شمرده که انسان می تواند آنها را اسباب رسیدن به خداوند قرار دهد.

آیا وسایل دیگری وجود دارد که اسلام ما را به آنها دعوت کرده باشد؟ یا این که امر، به انسان واگذار شده است و او می تواند وسایل دیگری انتخاب کند و به وسیله آنها به خداوند تقرّب جوید؟

روشن است وسایلی که بنده به وسیله آنها به خداوند تقرّب می جوید، اجتهاد بردار نیست؛ زیرا تقرّب به خداوند و شیوه های تحقیق آن، نیازمند به راهنمایی او دارد. بدین جهت شریعت، عهده دار بیان آنها شده و در کتاب و سنت، آنها را معین کرده است؛

ص: ۲۱

بنابراین، استفاده از هر وسیله ای که شریعت - به صورت عام و یا خاص - نصّی بر آن ندارد، نوعی بدعت و گمراهی است.

امام علی (علیه السلام) به وسایلی که موجب تقرب بنده به سوی خداوند می شود، تصریح فرموده است. حضرت می فرماید:

«همانا بهترین چیزی که نزدیکی خواهان، به خدای سبحان، بدان توسیل می جویند، ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خداست؛ زیرا آن، بلندی اسلام است و کلمهٔ اخلاص است؛ زیرا آن فطرت انسان است و برپا داشتن نماز است که آن دین است و دادن زکات است که واجب است و روزهٔ ماه رمضان که سپر از عذاب است و حجّ خانهٔ خدا و بجا آوردن عمره که فقر را برطرف می نمایند و گناهان را می شویند و پیوند با خویشان که مال را افزون سازد و سبب تأخیر در مرگ است و صدقه دادن نهانی که گناه را می پوشاند و صدقه دادن آشکارا که مرگ بد را باز دارد! و بجا آوردن کارهای نیک است که آنها از کشته شدنهای به خواری نگه می دارند».^(۱)

و قرآن کریم، مسلمانان را به روش نیکو و مطلوب راهنمایی کرده است. خداوند می فرماید:

ص: ۲۲

۱- (۱) - نهج البلاغه صبحی صالح: خطبه ۱۱۰.

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا. (۱)

«و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم کردند، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

رفتن نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) اختصاصی به حیات آن حضرت میان مسلمانان ندارد، زیرا خداوند می فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (۲)

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.»

توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عبادت مستمری است که بعد از رحلت آن حضرت نیز به آن عمل می شد و مسلمانان آن را روا می دانستند و بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیوسته آن را انجام می دادند.

برخی از مفسران نیز عدم اختصاص آیه شریفه به حال حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را پذیرفته اند، (۳) پس مانعی از ارتباط با خداوند و درخواست بخشش گناهان از او و یا رسیدن به حاجات دینی و دنیایی

ص: ۲۳

۱- (۱) - نساء: ۶۴.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۶۹.

۳- (۳) - تفسیر ابن کثیر: ۵۳۲/۱.

از طریق توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود ندارد. گناهکاران می توانند او را واسطه قرار دهند. آن حضرت نیز به جهت تقرب به خدا و برخورداری از مقام و منزلت در نزد او، برای آنان طلب بخشش نماید و این روشی است که شرع، تشویق و دعوت به آن کرده و قرآن کریم نیز آن را معین نموده است.

در این جا برای روشن شدن مسأله «توسل» و نیز مسائلی که بر آن مترتب می باشد، موضوعات زیر مطرح می شود:

۱ - معنای لغوی و اصطلاحی توسل.

۲ - نظرات مختلف درباره توسل.

۳ - جواز توسل در قرآن کریم.

۴ - توسل در گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله).

۵ - توسل در سیره مسلمانان.

۶ - توسل در روایات اهل بیت (علیهم السلام).

۷ - بررسی شبهات واده به جواز توسل.

ص: ۲۴

۱- معنای لغوی و اصطلاحی توسّل

صاحب لسان العرب می نویسد:

«و وَسَّلَ فُلَانٌ إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةً؛ یعنی: فلان شخص کاری کرد که به سبب آن به خدا نزدیک شد. این سخن (هنگامی گفته می شود) که عملی را انجام دهد که به سبب آن، به خدا نزدیک شود. واسل: کسی است که به خدا رغبت دارد».

لبید می گوید:

أَرَى النَّاسَ لَا يَدْرُونَ مَا قَدَرَ امْرِهِم

بَلَى كُلُّ ذِي رَأْيٍ إِلَى اللَّهِ وَاسِلٌ

مردم را می بینم که ارزش کار خود را نمی دانند، بلکه هر انسان صاحب رای، رغبت به خدا دارد .

توسّل پیدا کرد به وسیله ای، هنگامی گفته می شود که با عملی به خدا نزدیک شود و (اگر گفته می شود): این چنین ، توسّل به خداوند پیدا کرد ؛ یعنی تقرّب پیدا کرد به امر مقدّسی که محبوب (شخص مقابل) است و مهربانی او را نسبت به خویش، جلب می کند

الوسیله: پیوند و نزدیکی است که جمع آن وسایل است . خداوند می فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ. (۱)

«کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرّب به پروردگارشان می جویند». (۲)

فرهنگهای دیگر نیز، «وسيله» را شبیه آن چه گفته شد، معنا کرده اند؛ زیرا معنای آن، جزء مفاهیم روشن است. حقیقت آن برگزیدن چیزی برای رسیدن به امر دیگر است که در واقع مقصود و مطلوب ما می باشد و «وسایل» نیز به اعتبار اهدافی که می خواهیم به آنها دست یابیم، گوناگون است.

کسی که رضایت خداوند سبحان را می طلبد، با اعمال نیک - که رضایت او را فراهم می آورد - توسّل پیدا می کند. و شخصی که زیارت خانه خدا را می خواهد، به چیزی متوسّل می شود که او را به آن برساند. (۳)

ابن کثیر درباره معنای توسّل می گوید:

«انسان بین خود و خدا، واسطه ای قرار دهد، تا خداوند نیاز و حاجتش را به خاطر آن واسطه برآورده سازد». (۴)

ص: ۲۶

۱- (۱) - الإِسْرَاءُ ۵۷: ۱۷.

۲- (۲) - لسان العرب ابن منظور: جزء ۱۱، مادّة «وسل».

۳- (۳) - التوسّل فی الشریعه الإسلامیه، جعفر سبحانی: ۱۷.

۴- (۴) - تفسیر ابن کثیر: ۱ / ۵۳۲.

اشاره

قبل از بیان و بررسی دلایل توسل و مشروع بودن آن، شایسته است نظریه‌هایی که دربارهٔ جواز و یا منع آن وجود دارد، بیان شود.

دیدگاه اول: منع توسل

البانی، معتقد به این نظریه (منع توسل) است. او در کتاب التوسل، انواعه، احکامه، «توسل» را نوعی گمراهی دانسته و در مقدمه کتاب شرح الطحاویه می‌نویسد:

«توسل، جزء مسائل اعتقادی نیست». (۱)

محمّد بن عبدالوهاب نیز معتقد به ممنوع بودن توسل است. او می‌گوید:

اگر برخی از مشرکان (مسلمانانی که وهابی نیستند) به تو بگویند:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲)

«آگاه باشید! اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند».

و یا بگویند: شفاعت حق است. و یا این که: پیامبران در نزد خداوند منزلت دارند، و یا سخنی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر کنند و بر اعتقاد باطل خویش (شفاعت) استدلال نمایند که تو آن را نمی‌فهمی و توانایی بر جواب نداری، در جواب به آنان بگو: خداوند در قرآن می‌فرماید:

ص: ۲۷

۱- (۱) - البشاره والاتحاف سقاف: ۵۲، به نقل از شرح طحاویه: ۶۰.

۲- (۲) - یونس (۱۰): ۶۲.

«کسانی که در قلبشان انحراف وجود دارد، آیات محکم را رها می کنند، و از آیات متشابه پیروی می کنند».^(۱)

و از دیگر کسانی که اعتقاد به ممنوع بودن توسل دارند، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز است. او می گوید:

«کسی که از پیامبر درخواست نماید و از او طلب شفاعت کند، اسلام خود را تباه کرده است».^(۲)

دیدگاه دوم : جواز توسل

شوکانی، اعتقاد به آن (جواز توسل) دارد . او در کتاب تحفه الذاکرین به آن تصریح کرده می گوید:

« به خداوند، به وسیله پیامبران و نیکوکاران، توسل می شود».^(۳)

سمهودی شافعی نیز آن را روا دانسته می گوید:

«گاهی توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طلب خواسته از آن حضرت است ؛ بدین معنا که ایشان توانایی دارد که سبب باشد و سببیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به درخواست و شفاعت آن حضرت از پروردگار است، پس بازگشت توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به درخواست دعای آن حضرت است ؛ گرچه عبارت فرق داشته باشد.

ص: ۲۸

۱- (۱) - کشف الشبهات محمد بن عبدالوهاب: ۶۰.

۲- (۲) - مخالفه الوهابیه للکتاب والسنة عمر عبدالسلام: ۲۰ به نقل از العقیده الصحیحه و نواقض الإسلام عبدالعزیز بن عبدالله بن باز.

۳- (۳) - تحفه الذاکرین ، شوکانی: ۳۷.

از موارد توّسل، گفتار شخصی است که به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می گوید: از تو درخواست می کنم که در بهشت همراه شما باشم... و مقصود از توّسل آن نیست که آن حضرت بدون واسطه مستقلاً سبب شفاعت کننده باشد» (۱).

ابن تیمیّه از احمد بن حنبل در کتاب منسک المروری نقل می کند که او توّسل به پیامبر و دعا در نزد آن حضرت را روا می دانست. و نیز همین را از ابن ابی دنیا و بیهقی و طبرانی با نقلهای متعدّد - که به صحیح بودن آنها گواهی می دهد - نقل می کند» (۲).

شافعی نیز از معتقدان به جواز توّسل است. او می گوید:

«هنگامی که حاجتی برایم پیش آید، نزد قبر ابوحنیفه می روم و دو رکعت نماز به جای می آورم و به او تبرک می جویم و حاجت خود را از خداوند نزد او می خواهم و طولی نمی کشد که حاجتم برآورده می شود» (۳).

ابو علی خلال (دانشمند بزرگ حنبلی ها) از دیگر کسانی است که معتقد به جواز آن می باشد. او می گوید:

«هرگاه امری مرا اندوهناک سازد، به سوی قبر موسی بن جعفر (علیه السلام) می روم و به او توّسل می جویم و خداوند آنچه را که مورد نظرم است، برایم آسان می کند» (۴).

ص: ۲۹

۱- (۱) - وفاء الوفاء ، سمهودی: ۲ / ۱۳۷۴.

۲- (۲) - التوّسل والوسیله ابن تیمیه: ۱۴۵ و ۱۴۴، نشر دار الآفاق، سال ۱۳۹۹ هـ. ق.

۳- (۳) - تاریخ بغداد: ۱ / ۱۲۳ باب ما ذکر فی مقابر بغداد.

۴- (۴) - تاریخ بغداد: ۱ / ۱۲۳ باب ما ذکر فی مقابر بغداد.

شیعیان می گویند:

«درخواست از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم(علیهم السلام) جهت برآوردن حاجات و برطرف شدن گرفتاری بعد از مرگشان جایز است؛ چنان که در زمان حیات آنان جایز بود؛ زیرا اولاً: درخواست از آنان و مخاطب قرار دادن ایشان، خطاب معدوم نمی باشد. و ثانیاً: درخواست از آنان، شرک نیست». (۱)

دیدگاه سوم: تفصیل بین انواع توسل

این رأی ابن تیمیّه است، البتّه رأی او در موضوع «توسل» آشفته است؛ زیرا گاهی منکر و گاهی معتقد به جواز و گاهی اعتقاد به تفصیل دارد! او هنگامی که اقسام سه گانه توسل را بیان می کند، در دو قسم آن، اعتقاد به جواز و در یکی اعتقاد به حرمت دارد. او می نویسد:

«از واژه توسل سه معنا اراده می شود:

اول: توسل پیدا کنیم به پیروی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ایمان به آن حضرت(صلی الله علیه و آله)، و این همان اصل اسلام و ایمان است و کسی که منکر باشد، کفر او در نزد خواص و عوام روشن است.

ص: ۳۰

۱- (۱) - البراهین الجلیه فی رفع تشکیکات الوهابیه، محمد حسن قزوینی حائری: ۳۰.

دوم: توسل به دعا و شفاعت آن حضرت (صلی الله علیه و آله) - که پیامبر خود مستقیماً دعا و شفاعت کند - که در زمان حیات ایشان وجود داشت. در روز قیامت نیز به شفاعت آن حضرت مؤمنان توسل پیدا خواهند کرد. و کسی که منکر باشد، کافر و مرتد است و او را باید وادار به توبه کنند؛ اگر توبه کرد (از او می گذرند) و گرنه به جهت ارتدادش او را بکشند.

سوم: توسل پیدا کنیم به شفاعت آن حضرت بعد از مرگش و خدا را قسم دهیم به پیامبر، این از بدعت‌های جدید است». (۱)

۳- جواز توسل در قرآن کریم

اشاره

پیامبران به حقیقت توسل و مشروع بودن آن، اعتراف دارند. قرآن کریم، موارد فراوانی نقل می کند که مردم به پیامبران و اولیا توسل می جستند و ایشان به درخواست آنان پاسخ مثبت می دادند. برخی از مواردی که قرآن تصریح به آن دارد، به شرح ذیل است:

الف: خداوند می فرماید :

وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ (۲)

«عیسی گفت: کور مادر زاد و مبتلایان به برص (پیسی) را بهبود می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم».

ص: ۳۱

۱- (۱) - التوسل والوسيلة: ۵۰ و ۲۰ و ۱۳.

۲- (۲) - آل عمران (۳): ۴۹.

آیه شریفه دلالت دارد بر این که مردم به حضرت عیسی (علیه السلام) توسل می جستند لکن این توسل، نشأت گرفته از این نبود که آن حضرت قدرتی غیر از قدرت الهی دارد بلکه توسل آنان بدین جهت بود که عیسی (علیه السلام) توانایی شفای بیماران را به اذن خدا داشته ؛ زیرا او نزد خداوند، دارای منزلت و مقام است و این شرک شمرده نمی شود؛ «شرک» عبارت از این است که: برای حضرت عیسی (علیه السلام) قدرت مستقلی از قدرت خدا فرض کنیم که هیچ یک از مسلمانان به این مطلب اعتقاد ندارند.

ب: خداوند می فرماید:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (۱)

«گفتند: ای پدر از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطا کار بودیم».

فرزندان یعقوب (علیه السلام) آمرزش را از او، جدای از قدرت الهی درخواست نکردند بلکه یعقوب (علیه السلام) را واسطه در طلب آمرزش قرار دادند؛ زیرا او مقرب درگاه الهی و آبرومند، نزد خداوند است. این مطلب از جواب آن حضرت به فرزندانش کاملاً روشن است :

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۲)

«گفت: به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم».

ص: ۳۲

۱- (۱) - یوسف (۱۲): ۹۷.

۲- (۲) - یوسف (۱۲): ۹۸.

ج: خداوند می فرماید:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (۱)

«اگر هنگامی که به خود ستم می کردند، به نزد تو می آمدند، از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

آیه شریفه دلالت بر پذیرش استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای مسلمانان توبه کننده دارد؛ زیرا آن حضرت، دارای منزلتی بزرگ نزد خداوند سبحان است و این آیه بر اهمیّت آمدن مسلمانان نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جهت آمرزش خواهی آن حضرت برای آنان، تأکید دارد. (۲)

انواع توسل از دیدگاه قرآن

اشاره

خداوند در قرآن کریم، بندگان مؤمن خویش را ترغیب به توسل نموده و صورتهای مختلف آن را روا دانسته است.

ص: ۳۳

۱- (۱) - النساء (۴): ۶۴.

۲- (۲) - مخالفه الوهائیه، عمر عبدالسلام: ۲۲.

برخی از انواع توسل مشروع - که در قرآن کریم آمده - عبارت است از:

الف: توسل به اسمای خداوند سبحان!

(۱)

خداوند می فرماید:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

«و برای خدا، نامهای نیک است، خدا را به آن (نامها) بخوانید و کسانی را که در اسمای خدا تحریف می کنند، رها سازید. آنان به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند.»

آیه شریفه همه اسمای خداوند را - بدون این که بین آنها تفاوتی قایل شود - نیک می داند و سپس به ما فرمان می دهد که از طریق آنها دعا کنیم. اسمای الهی در برگیرنده همه خیرها، جمال، رحمت، مغفرت و عزت است و هنگامی که بنده ای این اسمای را یاد کرده به خدا روی می آورد واز او درخواست بخشش گناهان و برآوردن حاجات می کند، خداوند نیز درخواست او را اجابت می کند.

ص: ۳۴

۱- (۱) - ر.ک: توسل، جعفر سبحانی: ۶۷ - ۲۱.

۲- (۲) - اعراف (۷): ۱۸۰.

عمل صالح از وسایل مشروعی است که بنده به وسیله آن به خداوند تقرب می جوید. «توسل» تقدیم کردن چیزی به ساحت پروردگار است برای به دست آوردن رضای او. شکی در این مطلب نیست که «عمل صالح» از بهترین وسایلی است که بنده برای برآوردن حاجات خویش به آن تمسک می جوید. خداوند می فرماید:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱).

«و نیز (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، (و می گفتند:) پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی. پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور و طرز عبادت مان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر که تو، توبه پذیر و دانایی.»

ص: ۳۵

آیه شریفه بر ارتباط عمل صالح (ساختن خانه خدا) و دعا تأکید دارد؛ دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) - که رغبت در اجابت آن داشت - قبولی اعمال نیک و نیز درخواست دودمانی تسلیم شده در برابر فرمانهای حق است. خداوند در گفتارش بر این مطلب تأکید می کند:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱)

«همان کسانی که می گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش، نگه دار».

در این آیه خداوند، طلب غفران را با «فاء» بر رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا عطف کرده است و «فای تفریع» دلالت بر ارتباط بین ایمان و درخواست بخشش دارد.

ج: نوسل به دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قرآن کریم از منزلت، عظمت و ارزش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نزد خداوند و تمایز آن حضرت سخن گفته است:

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا. (۲)

«صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید».

ص: ۳۶

۱- (۱) - آل عمران (۳): ۱۶.

۲- (۲) - نور (۲۴): ۶۳.

همچنین قرآن بیان می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از اسباب عذاب نشدن مردم، بر روی زمین است.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. (۱)

«(ای پیامبر!) تا تو در میان آنان هستی، خداوند آنان را مجازات نخواهد کرد، و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.»

قرآن کریم در جاهای متعدّد، خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با هم ذکر می کند و عمل واحدی را به آنان نسبت می دهد:

وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ تَمَّ تُرْدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ. (۲)

«خدا و رسولش، اعمال شما را می بینند، سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است، بازگشت داده می شوید.»

و در جای دیگر می فرماید:

وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ اغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ. (۳)

«آنان فقط از این انتقام می گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل و (کرم) خود، بی نیاز ساختند.»

ص: ۳۷

۱- (۱) - انفال (۸): ۳۳.

۲- (۲) - توبه (۹): ۹۴.

۳- (۳) - توبه (۹): ۷۴.

پس حال که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از چنین منزلتی نزد خدا برخوردار است، خداوند دعای او را رد نمی کند و درخواستهای او را می پذیرد و کسی که بر دعای آن حضرت تمسک جوید، به ریسمانی محکم و مورد اطمینان تمسک جسته است.

بدین جهت، خداوند سبحان، به گناهکاران مسلمان، امر می کند که به دعای آن حضرت تمسک جویند و از خدا در حضور آن حضرت، طلب بخشش نمایند و از او درخواست کنند که برایشان استغفار نماید تا استغفار او برای آنان موجب نزول رحمت و سبب قبول توبه شود.

قرآن می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (۱)

«و اگر این مخالفان: هنگامی که به خود ستم می کردند، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

مانند این معنا در این آیه نیز آمده است :

ص: ۳۸

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُوسَهُمْ وَرَأَتْهُمُ بِصُدُونٍ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ. (۱)

«هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را (از روی استهزا، کبر و غرور) تکان می دهند و آنان را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند».

د: توسل به دعای برادر مؤمن

خداوند ، در توسل به دعای مؤمنان می فرماید:

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (۲).

«و کسانی که بعد از آنان (صابران و انصار) آمده و می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز و در دلهایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده . پروردگارا ! تو مهربان و رحیمی».

آیه کریمه دلالت دارد بر این که مؤمنانی در آینده برای مؤمنان قبل از خود ، استغفار می کنند و این مطلب دلالت دارد بر این که

ص: ۳۹

۱- (۱) - المنافقون (۶۳): ۵.

۲- (۲) - حشر (۵۹): ۱۰.

دعای برادر مؤمن ، در حق برادرش، امری پسندیده و مورد اجابت است.

ه- : توشل به انبیا و صالحان

این مورد، با قسمت «ج» فرق دارد؛ زیرا در آن جا توشل به دعای پیامبر بود لکن در این جا توشل به ذات پیامبران و صالحان است و این که آنان از مقام و منزلت والایی نزد خداوند برخوردارند.

در سابق به دعای پیامبر، نزد خداوند، به عنوان وسیله توشل پیدا می کردیم لکن در این قسم، شخص پیامبر و کرامت آن حضرت را وسیله نزد پروردگار قرار می دهیم و روشن است که «وسیله» همان دعایی است که از آن شخصیت مورد تکریم و تعظیم خداوند سرچشمه می گیرد؛ چنان که فرموده است:

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۱).

«و آوازه تو را بلند ساختیم».

همچنین به مسلمانان فرمان می دهد تا آن حضرت را گرامی داشته او را یاری نمایند:

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲)

ص: ۴۰

۱- (۱) - انشراح (۹۴): ۴.

۲- (۲) - اعراف (۷): ۱۵۷.

«پس کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

پس اگر امیدواری به استجاب دعا، چیزی جز شخصیت یگانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و منزلت او نزد خداوند نیست، سزاوار است که انسان توسل به آن پیدا کند؛ چنان که به دعای آن حضرت توسل می شد. و کسی که در قسم اول - دعای پیامبر - اعتراف به جواز دارد و لکن در قسم دوم - شخص پیامبر - اعتقاد به ممنوعیت داشته باشد، او بین دو امر متلازم فرق گذاشته است و این نوع از توسل را روایاتی که از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سند صحیح نقل شده است و بزرگان اهل حدیث نیز به صحتشان اعتراف دارند، تأیید می کند (۱).

و: توسل به حق صالحان و حرمت و منزلت آنان

با بررسی سیره مسلمانان، می توان موارد فراوانی از این توسل را مشاهده کرد.

مسلم، از معاذ بن جبل نقل می کند:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آیا می دانی که حق خدا بر بندگان چیست؟ گفت: خداوند و رسولش داناترند. فرمودند: حق خدا بر

ص: ۴۱

۱- (۱) - ترمذی: ۵۳۱/۵ کتاب الدعوات، باب ۱۹ شماره ۳۵۷۸، سنن ابن ماجه: ۴۴۱/۱ شماره ۱۳۸۵؛ مسند احمد: ۱۳۸/۴، ح ۱۶۷۸۹.

بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را برای او شریک قرار ندهند. سپس ساعتی راه رفتند، آنگاه فرمود: ای معاذ! آیا می دانی که حقّ بندگان، هنگامی که آن موارد را انجام دهند چیست؟ گفتم: خدا ورسولش داناترند. (پیامبر) فرمود: خداوند آنان را عذاب نکند» (۱).

خلاصه این که، قرآن سیره پیامبران و بندگان نیکوکار در ارتباط با توسّل را بیان داشته است همچنین نمونه هایی از توسّل مشروع را ذکر نموده است. و نیز روشن شد که توسّل فقط اختصاص به دعا ندارد تا بین شخص پیامبر و دعای آن حضرت فرق باشد بلکه توسّل شامل تمسک به خود حضرت نیز می شود.

۴- توسّل در گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

روایاتی نقل شده که دلالت بر جواز توسّل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بندگان خاصّ خدا دارد :

۱- مرد نابینایی به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد :

«از خداوند بخواه تا به من عافیت ببخشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر مایل هستی دعا برای تو را به تأخیر بیندازم - و آن برای تو بهتر است - و اگر مایل هستی دعا کنم. مرد نابینا گفت : دعا بفرمایید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به

ص: ۴۲

او دستور داد که وضو بگیرد و وضوی خود را نیکو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و این چنین دعا کند: خدایا! من از تو درخواست می‌کنم و به تو متوجه می‌شوم به وسیله پیامبرت محمد (صلی الله علیه و آله)؛ پیامبر رحمت. ای محمد! من درباره حاجتم به وسیله تو، به خدایم متوجه می‌شوم تا حاجتم را برآورده فرمایی. خدایا! شفاعت او را درباره من بپذیر» (۱).

اشکالی در صحت حدیث وجود ندارد، به طوری که ابن تیمیّه نیز آن را صحیح دانسته است.

او می‌گوید:

«مراد از ابی جعفر (در سند حدیث) ابو جعفر خطمی است که ثقه می‌باشد».

رفاعی می‌گوید:

شکی نیست که این روایت، صحیح و مشهور می‌باشد و در آن بدون هیچ گونه شکی، شخص نابینا با دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بینایی خود را باز یافت» (۲).

اومی نویسد:

ص: ۴۳

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ۴۴۱/۱ حدیث ۱۳۸۵؛ مسند احمد: ۴/۱۳۸ ح ۱۶۷۸۹؛ مستدرک الصحیحین: ۳۱۳/۱؛ جامع صغیر سیوطی: ۵۹؛ منهاج الجامع: ۲۸۶/۱.

۲- (۲) - التوصل إلى حقیقه التوسّل، رفاعی: ۱۵۸ به نقل از توسّل، سبحانی: ۶۹.

این روایت را نسایی، بیهقی، طبرانی، ترمذی و حاکم در مستدرک نقل کرده اند (۱).

این روایت، مشروعیت توسل را مورد تأکید قرار داده است؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شخص نابینا یاد دادند که به وسیله آن حضرت، متوجه خدا گردد و او را شفیع قرار دهد تا حاجتش برآورده شود. مراد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود حضرت می باشد که به وسیله منزلت و مقام ایشان به خدا متوجه شویم (نه دعای ایشان).

۲- عطیة عوفی از ابی سعید خدری نقل می کند:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که از خانه اش برای نماز بیرون رود و بگوید: خدایا! از تو درخواست می کنم به حق سؤال کنندگان از تو و از تو درخواست می کنم به حق این راه رفتنم که من از روی نافرمانی، خوشگذرانی ریا و شهرت از خانه بیرون نیامدم. من برای پرهیز از خشم تو و تحصیل رضای تو خارج شدم، از تو درخواست می کنم مرا از آتش بازداری و گناهان مرا ببخشی؛ زیرا گناهان را جز تو کسی نمی بخشد. خداوند، خود به او توجه پیدا می کند و هفتاد هزار فرشته برای او استغفار می کنند» (۲).

ص: ۴۴

۱- (۱) - سنن ترمذی: ۵۳۱/۵ ح ۳۵۷۸؛ سنن کبری نسایی: ۱۶۹/۶ ح ۱۰۹۵.

۲- (۲) - سنن ابن ماجه: ۲۵۶/۱ ح ۷۷۸ باب المشی إلى الصلاة.

این روایت دلالت بر جایز بودن توسل به خدا به واسطه منزلت و مقام صالحان دارد و این که توسل کننده، آنان را واسطه و شفیع قرار می دهد تا حاجتش برآورده شود و دعایش اجابت گردد.

۳- انس بن مالک می گوید:

«هنگامی که فاطمه بنت اسد؛ مادر حضرت علی (علیه السلام) در گذشت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر او وارد شد و بر بالای جنازه او نشست و فرمود: خدا تو را رحمت کند ای مادرم پس از مادرم! سپس اسامه، ابویوب، عمر بن خطاب و غلام سیاهی را فراخواند و دستور داد که قبری آماده کنند. وقتی قبر او را کردند و به لحد رسیدند، پیامبر خدا با دست خود، لحد را کند و خاک آن را با دست خود در آورد و در قبر، بر روی پهلو دراز کشید، سپس فرمود: ای خدایی که زنده می کنی و می میرانی او زنده است و نمی میرد! مادرم فاطمه دختر اسد را بیامرزد و جایگاه او را وسیع قرار ده، به حق پیامبرت و پیامبرانی که پیش از من بوده اند» (۱).

۴- روایت شده که سواد بن قارب برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشعاری سرود که به وسیله آنها به حضرت توسل جست:

واشهد أن الله لا ربَّ غيره وأنتك مأمون على كلِّ غائب

ص: ۴۵

۱- (۱) - وفاء الوفاء والدرر السنیه: ۸ به نقل از کشف الارتیاب: ۳۱۲.

وَأَنْتَكَ أَدْنَى الْمُرْسَلِينَ وَسِيلَهُ إِلَى اللَّهِ يَا بَنَ الْأَكْرَمِينَ الْأَطَائِبِ
فَمَرْنَا بِمَا يَأْتِيكَ يَا خَيْرَ مُرْسَلٍ وَإِنْ كَانَ فِيهِ شَيْبُ الذَّوَائِبِ
وَكَنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ لَأَذُوشَفَاعَهُ بِمَغْنَفَتِيلاً عَن سَوَادِ بْنِ قَارِبٍ (١)

«و گواهی می دهم که جز خدا پروردگاری نیست و تو بر هر پوشیده ای از حس ، امین هستی» .

«و تو نزدیکترین وسیله از دیگر پیامبران هستی به خداوند ، ای فرزند گرامیها و پاکیزه ها».

«به ما دستور ده آنچه را به تو می رسده ای نیکوترین پیامبران! هرچند که عمل به دستور تو موجب سفیدی موی سر باشد».

«وشفیع من باش در روزی که شفاعت شافعان به اندازه رشتۀ هستۀ خرما به حال سواد بن قارب سود نمی بخشد».

۵- توسّل در سیره مسلمانان

سیره مسلمانان بر توسّل به پیامبر(صلی الله علیه و آله) هنگام حیات و بعد از وفات آن حضرت و نیز بر توسّل به اولیای خدا و درخواست شفاعت از آنان نزد خدا جاری بوده است. در ذیل، نمونه هایی از سیره مسلمانان را بیان می کنیم:

الف: بعد از درگذشت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ابو بکر گفت:

ص: ۴۶

۱- (۱) - الدّرر السّیّیه : ۲۷؛ التّوصّل إلى حقیقه التّوسّل : ۳۰۰.

«ای محمّد! ما را در نزد پروردگارت یاد کن و همواره ما را به خاطر داشته باش.» (۱)

ب: حافظ ابو عبدالله محمّد بن موسی بن نعمانی، در کتاب مصباح الظلام می گوید:

«ابو سعید سمعانی، از علی ابن ابی طالب (علیه السلام) نقل می کند: بعد از این که سه روز از دفن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گذشت، مرد بادیه نشینی بر ما وارد شد. خود را بر قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) انداخت و از خاک قبر بر سر خود پاشید و گفت: ای رسول خدا! گفתי و ما گفتارت را شنیدیم و نسبت به خدا آگاهی دادی و ما به وسیله تو آگاه شدیم و از جمله آنچه نازل شد، این آیه است:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ... (۲)

«ومن ظلم کردم و نزد تو آمدم تا برایم استغفار نمایی. از قبر ندا داده شد: خداوند (گناهان) تو را بخشید.» (۳)

ج: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردی آموخت که چگونه دعا کند و از خدا درخواست نماید و سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مورد خطاب قرار دهد و به آن حضرت توسّل جوید و از خدا بطلبد که شفاعت پیامبر را بپذیرد و بگوید:

ص: ۴۷

۱- (۱) - الدرر السّیّیه فی الرّد علی الوهّابیّه: ۳۶.

۲- (۲) - نساء (۴): ۶۴.

۳- (۳) - وفاء الوفاء ، سمهودی: ۱۳۶۱/۲.

«خدایا! من از تو درخواست می‌کنم و به تو متوجه می‌شوم، به وسیله پیامبرت محمد(صلی الله علیه و آله)، پیامبر رحمت، ای محمد! ای رسول خدا! من درباره حاجتم به وسیله تو به پروردگرم متوسل می‌شوم تا حاجتم را برآورده کنی. خدایا! شفاعت او را درباره من بپذیر». (۱)

د: بخاری در صحیح خود نقل می‌کند:

«عمر بن خطاب در مواقع قحطی، به عباس بن عبدالمطلب متوسل می‌شد و می‌گفت: خدایا! ما در گذشته به پیامبرت متوسل می‌شدیم و ما را سیراب می‌کردی و اکنون به عموی پیامبرت متوسل می‌شویم، پس ما را سیراب کن (و در این هنگام، باران ریزش می‌کرد) و سیراب می‌شدند». (۲)

ه-: منصور عباسی، از مالک بن انس (امام مالکی‌ها) از کیفیت زیارت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و توسل به آن حضرت سؤال کرد و گفت:

«ای ابا عبدالله! آیا رو به قبله باشم و دعا کنم؟ یا رو به رسول خدا نمایم؟ مالک در جواب او گفت: چرا صورت خودت را از او بگردانی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم است تا روز قیامت؟ بلکه رو به سوی او کن و به وسیله او طلب شفاعت کن که خدا تو را شفاعت خواهد کرد. خداوند می‌فرماید: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ...**» (۳).

ص: ۴۸

۱- (۱) - مجموعه الرسائل والمسائل، ابن تیمیه: ۱/۱۸۱.

۲- (۲) - صحیح بخاری، باب صلاه الاستسقاء: ۲/۳۲، ح ۹۴۷.

۳- (۳) - وفاء الوفاء، سمهودی: ۲/۱۳۷۶.

و: شافعی در دو بیت از اشعارش به آل پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسل جسته و می گوید:

آل النبی ذریعتی وهم إلیه وسیلتی

أرجوا بهم اعطی غداً

یدی الیمین صحیفتی (۱)

«خاندان پیامبر، وسیله من به سوی خدا هستند.»

«به وسیله آنان امید دارم که نامه عمل مرا به دست راستم بدهند.»

با توجه به ادله و شواهد تاریخی، می توان گفت: پیامبران و بندگان صالح خدا از وسیله های مشروع هستند که خداوند آنان را در قرآن مورد توجه قرار داده است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بپرهیزید و وسیله تقرب به او بجوید.»

«وسيله» در این آیه ، مستحبات را نیز در برمی گیرد و منحصر به واجبات و محرمات نمی باشد.

۶- توسل در روایات اهل بیت (علیهم السلام)

اشاره

ائمه (علیهم السلام) توسل به «قرآن» و «اولیا» را مورد تشویق فراوان قرار داده اند. کسی که به کتب شیعیان - به خصوص کتابهای روایی

ص: ۴۹

۱- (۱) - الصواعق المحرقة : ۲۷۴ .

۲- (۲) - مائده (۵): ۳۵.

ودعا - مراجعه کند، این مطلب را به روشنی و به طور مستدل در می یابد :

الف: حارث بن مغیره می گوید:

«شنیدم که امام صادق(علیه السلام) می فرمود: بر شما باد اگر یکی از شما خواست که از پروردگارش چیزی از حاجتهای دنیا را بطلبد ، با حمد و ستایش خداوند عزوجل شروع نماید و بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) درود فرستد، آنگاه حاجات خود را از خدا بخواهد». (۱)

ب: امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

«جابر انصاری گفته است : از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال کردم: درباره علی بن ابی طالب چه می فرمایید؟ فرمود: او نفس من است. گفتم: درباره حسن و حسین چه می گوئید؟ فرمود: آنان روح من هستند و فاطمه مادر آنان ، دختر من است، مرا اندوهگین می کند، آنچه او را اندوهگین کند و مرا خوشحال می کند، آنچه او را خوشحال کند. خدا را گواه می گیرم که من جنگ کننده ام با کسی که با آنان بجنگد و من صلح کننده ام با کسی که با آنان صلح کند. ای جابر! اگر خواستی خدا را بخوانی و تو را اجابت نماید، او را با نامهای آنان بخوان، که آنها بهترین اسم ها در نزد خدای عزوجل می باشند». (۲)

ص: ۵۰

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۹۳ کتاب الذکر والدعاء ، باب ۱۷ ، ح ۱۹.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۹۴ باب ۲۸ ح ۱۷ و ۱۶.

«اگر سختی به شما رسید، به وسیله ما از خدا کمک بجوید که این همان گفتار خداوند عزوجل است: وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» (۱).

د: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمَحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَأَقْدِمُهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي» (۲).

«خدایا! من به وسیله محمد و آل محمد، به تو متوجه می شوم و به وسیله آنان به تو تقرب می جویم و آنان را برای برآورده شدن حاجاتم، واسطه قرار می دهم».

ه-: امام علی (علیه السلام) در دعای خویش می فرمود:

«...خدایا! از تو به حقی که محمد و آل محمد بر تو دارند و به حق بزرگی که بر آنان داری، درخواست می کنم که بر آنان درود فرستی آن چنان که اهل آن هستی و به من عطا فرمایی بهترین چیزی را که به بندگان درخواست کننده مؤمن خود در گذشته عطا فرموده ای و بهترین چیزی را که به بقیه مؤمنان می دهی» (۳).

و: امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه می فرماید:

ص: ۵۱

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۹۴ باب ۲۸ ح ۱۷ و ۱۶.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۹۴ باب ۲۸ ح ۱۷ و ۱۶.

۳- (۳) - صحیفه علویّه، سماهیجی: ۵۱.

«...خدایا! ما در این شامگاهی که آن را واجب و بزرگ قرار دادی، به تو متوجه می شویم به وسیله محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر و رسول تو و برگزیده ات از میان بندگانت». (۱)

ز: امام سجّاد (علیه السلام) در دعای خود به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان می فرمود:

«خدایا! من از تو درخواست می کنم به حقّ این ماه و به حقّ کسی که در آن عبادت کند. از ابتدای فرا رسیدن آن تا پایان آن و از فرشته ای که او را مقرب گردانیدی، یا پیامبری که او را فرستادی و یا بنده نیکوکاری که او را برگزیدی...». (۲)

۷- بررسی شبهات وارده به جواز توسّل

الف: گفته شده است که توسّل به مردگان ممکن نیست و این عمل از لحاظ عقلی، ناپسند است؛ زیرا مرده توانایی پاسخگویی ندارد و توسّل به او، مورد خطاب قرار دادن معدوم است (۳).

این ادّعا، باطل و در تعارض با قرآن کریم است، آیات قرآن بیانگر این است که مرگ، عدم نیست؛ برخی از این آیات عبارت است از:

ص: ۵۲

۱- (۱) - اقبال الاعمال: ابن طاووس: ۸۵/۲.

۲- (۲) - صحیفه سجّادیّه: دعای شماره ۴۴.

۳- (۳) - منهاج السنه، ابن تیمیّه.

۱- وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا. (۱)

این طایفه از آیات، در حقّ مؤمنین نازل شده اند؛ زیرا نوع و چگونگی رعایت حال آنان در دنیا و آخرت را بیان می نماید.

۲- النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. (۲)

«عذاب آنان آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند و روزی که قیامت بر پا می شود (می فرماید): آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید».

این آیه به تبیین عذاب برزخی گناهکاران و کافران می پردازد و دلالت بر حیات آنان بعد از مرگ و قبل از قیامت دارد؛ زیرا برپایی قیامت بعد از عرضه کردن آنان بر آتش در صبح و شام می باشد.

۳- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (۳)

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند».

ص: ۵۳

۱- (۱) - مریم (۱۹): ۶۳.

۲- (۲) - غافر (۴۰): ۴۶.

۳- (۳) - آل عمران (۳): ۱۶۹.

۴- حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ. (۱)

«تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می گوید: پروردگارا! مرا باز گردانید، شاید در آنچه ترک کرده ام، عمل صالحی انجام دهم؛ چنین نیست، این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند».

۵- وَقَالَ الَّذِينَ لَا- يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا- أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا * يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲)

«و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (ورستاخیز را انکار می کنند) گفتند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟ آنان درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند، اما روزی که فرشتگان را می بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود و می گویند: ما را امان دهید، ما را معاف دارید».

مراد از: يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ، دیدن فرشتگان بعد از مرگ است و آیات فراوانی بر آن دلالت دارد.

ص: ۵۴

۱- (۱) - مؤمنون (۲۳): ۹۹- ۱۰۰.

۲- (۲) - فرقان (۲۵): ۲۱ - ۲۲.

ب: اشکال شده است که اگر پذیرفتیم که مرگ، عدم نیست و نوعی حیات می باشد، آیا ممکن است با مرده ارتباط برقرار کرد؟ آیا حیات برزخی مانع از آن نیست؟

باید گفت: علاوه بر آنچه در سنت آمده، آیاتی از قرآن کریم دلالت بر امکان ارتباط انسان موجود در دنیا با انسان زنده در جهان برزخ دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۱ - حضرت صالح (علیه السلام) قومش را دعوت به ایمان نمود و به آنان امر کرد که به ناقة ای که معجزه آن حضرت بود، آزار نرسانند لکن آنان شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچی نمودند:

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَهُ رَبِّي وَنَصَيْحَتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ
النَّاصِحِينَ (۱)

«سرانجام، زمین لرزه آنان را فراگرفت و صبحگاهان (تنها) جسم بی جانشان در خانه هایشان باقی ماند. (صالح) از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم؛ ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید».

ص: ۵۵

خداوند، خبر می دهد که زمین لرزه، قوم صالح را هلاک کرد و آنان با صورت، در خانه هایشان افتاده بودند. بعد از آن، حضرت صالح از آنها روی برتافت و به آنان گفت:

لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَهَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُجِبُونَ النَّاصِحِينَ.

خطاب حضرت صالح بعد از هلاکت قومش و مرگ آنان صادر شد؛ زیرا عبارت فتولی که با «فاء» آمده إشعار به صدور خطاب بعد از نابودی آنان دارد.

۲ - حضرت شعیب (علیه السلام) بعد از هلاکت قومش ، آنان را مورد خطاب قرار داد :

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۱)

«سپس از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم، با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان، تأسف بخورم».

خطاب حضرت شعیب به قوم خویش بعد از هلاکت آنان صادر شد. این موضوع ، امکان ارتباط با آنان را تأیید می کند، پس اگر هلاک شدگان به وسیله زلزله خطاب حضرت صالح و شعیب را نمی شنیدند، خطاب قرار دادن آنان از سوی این دو پیامبر، چه معنایی دارد؟

ص: ۵۶

این خطاب را نمی توان به خطاب از سر اندوه تفسیر کرد؛ زیرا بر خلاف ظاهر است و اصول تفسیر هم آن را نمی پذیرد.

۳- قرآن کریم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان می دهد که با پیامبران گذشته صحبت نماید:

وَإِسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبُدُونَ (۱)

«از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان، معبودهایی برای پرستش قرار دادیم؟».

سؤال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی توان به پرسش از دانشمندان اهل کتاب تفسیر کرد؛ زیرا بین مدلول آن و بین مدلول آیه زیر، تفاوت وجود دارد:

فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ (۲)

«و اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خواندند، بپرس».

اما روایاتی هست که بر امکان ارتباط با ارواح اشاره می کند؛ مانند:

۱- روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر گودال (بدر) ایستاد و با مشرکانی که کشته شده بودند و پیکرهای آنان در چاه انداخته شده بود، سخن گفت.

ص: ۵۷

۱- (۱) - زخرف (۴۳): ۴۵.

۲- (۲) - یونس (۱۰): ۹۴.

انس بن مالک می گوید:

«اصحاب پیامبر خدا شنیدند که آن حضرت در نیمه شب می گفت: ای اهل گودال! ای عتبه بن ربیعہ! ای شیبہ بن ربیعہ! ای امیہ بن خلف! وای ابو جهل بن هشام! حضرت تمام کسانی را که در گودال بودند بر شمرد: (آنگاه فرمود: آیا وعده ای که خدا به شما داده بود، حق یافتید؟ من وعده ای را که خدا به من داده بود حق یافتم؟

مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! آیا با قومی سخن می گویی که بدن آنان متعفن شده است؟ فرمود: شما نسبت به سخنی که به آنان می گویم، شنواتر نیستید و لکن آنان توانایی جواب دادن مرا ندارند». (۱)

۲- مسلمانان - با اختلاف مذاهبشان - در پایان نماز، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سلام می کنند و می گویند:

«السلام علیک ایها النبّی ورحمه الله وبرکاته» و سنت آن حضرت هنگام حیات و بعد از رحلت ایشان، ثابت است، پس ارتباط با پیامبر (صلی الله علیه و آله) هیچ گاه قطع نمی شود. و سلام در نماز، دلالت بر امکان ارتباط با روح شریف پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد بلکه واقع شدن آن، قطعی است.

ص: ۵۸

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۷۶/۵، سیره ابن هشام: ۶۳۹/۲.

۳ - پیامبر فرمود :

«کسی که بعد از مرگم مرا زیارت کند و بر من سلام نماید، من ده بار بر او سلام می کنم و ده فرشته او را زیارت کرده و بر او سلام می کنند و اگر کسی در خانه ای بر من سلام کند، خداوند، روحم را به من بر می گرداند تا بر او سلام کنم...» (۱)

۴ - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«کسی که بعد از مرگم مرا زیارت کند، مانند این است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است...» (۲)

ج: اشکال بعدی این است که: آیا توسل به انسان برزخی، برای برآوردن حاجات، جایز می باشد؟ و آیا این کار شرک به خدا نیست؟ به دلیل گفتار خداوند که می فرماید:

إِنَّ الْأُمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ (۳)؛

«همه کارها به دست خداست».

در جواب باید گفت که: همه امور از آن خدا و به اراده اوست و همه امور، با رضایت خداوند به وجود می آیند لکن این مطلب منافاتی با ثبوت شفاعت برای پیامبران و اولیا در دنیا و آخرت به اذن الهی ندارد؛ چنان که زنده کردن مردگان و شفای بیماران به وسیله عیسی (علیه السلام) با اذن خدا انجام می گرفت.

ص: ۵۹

۱- (۱) - سنن ابی داوود: ۲/۲۱۸؛ کنز العمال: ۱۰/۳۸؛ طبقات شافعیه، سبکی: ۳/۴۰۸ - ۴۰۶.

۲- (۲) - کنز العمال: ۵/۱۳۵، ح ۱۲۳۷۲.

۳- (۳) - آل عمران (۳): ۱۵۴.

و از آن جا که همهٔ اشیاء بر اساس قانون سببیت جریان دارند، از این رو، حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید:

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى (۱)

«گفت: این عصای من است؛ بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می ریزم و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است».

پیامبران با این که معصوم هستند، از غیر خدا کمک طلبیدند تا این که دربارهٔ پیامبر این آیه نازل شد که:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

«ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است».

ظاهر آیه دلالت دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خدا و مؤمنان کمک خواسته؛ چنان که حضرت عیسی (علیه السلام) از حواریین مدد جسته است؛ زیرا فرمود:

مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ. (۳)

«کیست که یاور من به سوی خدا گردد؟».

ص: ۶۰

۱- (۱) - طه (۲۰): ۱۸.

۲- (۲) - انفال (۸): ۶۴.

۳- (۳) - آل عمران (۳): ۵۲.

و مانند استمداد موسی (علیه السلام) از برادرش که خداوند در جواب فرمود:

قال سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ (۱) (۲)

«فرمود: به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت، محکم می کنیم».

در قرآن کریم، خداوند از بندگانش یاری طلبیده و فرموده است:

ان تنصروا الله ينصرکم. (۳)

«اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند».

همچنین فرمود:

وَالَّذِينَ آوَأْ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ. (۴)

«و آنان که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند».

د: اشکال شده است که اگر قبول کردیم، استعانت و توسل به غیر خدا جایز است - زیرا به اذن و اراده او می باشد نه مستقل از آن - پس وجه استعانت از مرده چیست؟ با این که آنچه ثابت است، استعانت از پیامبر و یا ولی، در زمان حیاتشان است، نه بعد از مرگ آنان؟

اصحاب، توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در حیات و بعد از وفات آن حضرت، منکر نشده اند بلکه توسل به آن حضرت حتی قبل از حیات دنیوی شان نیز بوده است؛ چنان که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند و قرآن و سنت نیز مؤید آن است.

ص: ۶۱

۱- (۱) - قصص (۲۸): ۳۵.

۲- (۲) - ر.ک: به البراهین الجلیه، محمد قزوینی: ۴۲.

۳- (۳) - محمد د (۴۷): ۷.

۴- (۴) - انفال (۸): ۷۴.

عمر بن خطاب گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هنگامی که آدم (علیه السلام) مرتکب گناه شد، گفت: ای پروردگار من! به حقّ محمد (صلی الله علیه و آله) از تو درخواست می‌کنم که مرا ببخشی.» (۱)

خلاصه بحث

مرگ، امر عدمی نیست و ارتباط با جهان برزخ هم، اکنون وجود دارد و سیره مسلمانان در گذشته و حال بر توسل به پیامبران و اولیای زنده و مرده - بدون این که بین توسل به ذات آنان و دعایشان فرق بگذارند - پیوسته جاری بوده است، پس قول به جواز توسل، صحیح و متعین و قول به حرمت و منع آن، باطل است.

وسایلی که به وسیله آن بنده به خدای سبحان تقرّب پیدا می‌کند، اجتهاد بردار نیست و شریعت، عهده دار بیان آنهاست. و با جستجو در منابع معتبر می‌توان به این وسایل دست یافت و هر وسیله‌ای که خارج از این چارچوب باشد، بدعت و گمراهی است.

ص: ۶۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

